

آموزش حق امنیت شهروندی در قرآن و روایات^۱

طیبه ابراهیمی^۲

چکیده

گسترش روزافزون سطح تعاملات افراد و نیازهای جامعه بشری به نظم و امنیت عمومی، کشورها را به سمت ترویج و آموزش حق امنیت سوق داده است. کماینکه در اندیشه اسلامی نیز یکی از ضروری‌ترین نیازهای جوامع انسانی و حیات فردی و اجتماعی به شمار آمده و به کرات اهمیت آن را مورد تأکید قرار داده است. باتوجه به اهمیت موضوع و از آنجا که اسلام به‌عنوان یک نظام جامع، راه‌حل‌های مناسبی برای تمام نیازهای بشر پیش‌بینی نموده است، مسئله اساسی پژوهش حاضر نیز بررسی آموزش حق امنیت شهروندی در قرآن کریم و روایات است تا متعالی بودن احکام اسلام را در زمینه حقوق شهروندی نیز به نمایش گذارد. براین اساس در پی پاسخ به این پرسش است که در منابع و آموزهای قرآنی و روایی «امنیت» چگونه تعریف شده و چه سازوکارهایی برای تحقق آن در نظر گرفته شده است. روش کار در این مقاله توصیفی - تحلیلی است و از مطالعات کتابخانه‌ای کمک گرفته است و سعی بر این دارد که دیدگاه قرآن و روایات را در این زمینه بیان نماید. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که ابعاد مختلف امنیت و سازوکارهای تحقق آن در قرآن و روایات بسیار دقیق تبیین و تصریح شده و مورد توجه قانون‌گذاران قرار گرفته است و بر اهمیت آموزش حق امنیت، تعلیم و اطلاع‌رسانی عمومی تأکید شده است همچنین به دست آمد که ایمان و پایبندی به اصول و معیارهای اخلاقی ضامن تأمین امنیت در تمام ابعاد آن است.

کلیدواژه‌ها: آموزش، حق، شهروند، حقوق شهروندی، امنیت، روایات.

۱. تاریخ وصول: ۱۴۰۰/۱۱/۱۱

تأیید نهایی: ۱۴۰۱/۰۹/۱۸

۲. استادیار دانشگاه فرهنگیان، رشته حقوق بین الملل ebrahimi_78@yahoo.com

۱. مقدمه

امام صادق علیه‌السلام فرمودند: «ثَلَاثَةٌ أَشْيَاءُ يَحْتَاجُ النَّاسُ طُرّاً إِلَيْهَا الْأَمْنُ وَالْعَدْلُ وَالْخِصْبُ»؛ سه چیز است که همه مردم به آن نیاز دارند: امنیت، عدالت و فراوانی نعمت (رفاه). (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۳۲۰) امنیت از ضروری‌ترین نیازهای بشری در همه اعصار است و این نیاز در اندیشه‌اسلامی نیز یکی از ضروری‌ترین و بزرگ‌ترین نعمات مادی و معنوی برای جوامع انسانی و حیات فردی و اجتماعی به شمار آمده‌است. وجود امنیت زمینه ساز تمام پیشرفت‌ها و تحولات مثبت اجتماعی است. از دیدگاه اسلام نخستین نیاز زندگی اجتماعی انسان است و تا در یک اجتماع امنیت برقرار نباشد سایر تلاش‌ها و فعالیت‌ها نیز ثمره چندانی در پی‌ندارد؛ البته منظور اسلام از امنیت بسیار فراتر از مفهوم امنیت در دنیای امروز است چرا که اسلام به دنبال امنیتی است که، انسان بتواند در سایه آن علاوه بر تأمین زندگی دنیوی‌اش، پله‌های کمال معنوی را طی کند. با کمی تأمل در لابلای متون دینی و احکام و مقررات صادر شده و راه‌حلهایی که برای تحقق بخشیدن به امنیت در جامعه ارائه داده شده، علاوه بر توجه به نیازهای مادی به جنبه‌های فرا طبیعی نیازهای بشر نیز نظر داشته‌اند و از آنجایی که قوانین کشور ایران برگرفته از شرع است، ضرورت امر ایجاب می‌کند که آحاد ملت و دولت تمام امکانات و توان خود در ایجاد و گسترش آن، به کار گیرند. بنابراین دولت و بخصوص نهادهای آموزشی از جمله دانشگاه باید در تمامی برنامه‌ریزی‌ها و راهبردهای خود، این مهم را در نظر داشته باشد. در این مقاله، ابتدا به بررسی تعاریف و مفاهیم مختلف مرتبط با موضوع پرداخته شده و در ادامه سعی بر این دارد که ابعاد مختلف امنیت، انواع و راه‌های آموزش و تحقق آن را در قرآن کریم و روایات معصومین (علیه‌السلام) بررسی نماید تا با ارائه مصادیق مشخص و مستند از قرآن و روایات، راه‌کارهای دقیقی را برای دستیابی به امنیت معرفی نماید. این پژوهش به روش کتاب‌خانه‌ای و با استفاده از

منابع مکتوب و نرم‌افزاری و به روش تحلیلی - توصیفی تدوین شده‌است. مهم‌ترین منابع مورد استفاده در این پژوهش، کتب تفسیری، روایات و مقالات مرتبط با موضوع پژوهش می‌باشد.

۱-۱. بیان مسئله

حقوق شهروندی مجموعه‌قواعدی است که بر روابط اشخاص در جامعه حکومت می‌کند و موضوع آن چگونگی روابط مردم، حقوق و تکالیف آنان در برابر یکدیگر و در برابر دولت است یکی از مؤلفه‌های اساسی حقوق شهروندی امنیت است. امنیت در واقع، عنصری برای جامعه است که رشد و تعالی جامعه در بستر آن شکوفا می‌شود. با نگاهی به قرآن و سیره و گفتار معصومین علیهم‌السلام دریافت می‌شود که یکی از دغدغه‌های پیامبر (ص) و معصومین (ع) مسئله امنیت و آسایش جامعه بوده است لذا، برقراری امنیت، مبارزه با ستمکاران و قدرتمندان غاصب و هرگونه ظلم و پلیدی، تبعیض و استبداد در سرلوحه کار تمامی آنان بوده است. باتوجه‌به اهمیت موضوع، مسئله اصلی این پژوهش این است که در منابع دینی امنیت چگونه تعریف شده و چه راهکارهایی برای عینیت‌بخشیدن به آن منظور گردیده است؟ آسایش و آرامش مادی و معنوی، فردی، اجتماعی و توسعه و تعالی جامعه از دیدگاه اسلام چگونه محقق می‌شود؟ آیا رابطه‌ای میان حقوق اخلاقی مطرح شده و امنیت وجود دارد؟ نقش دولت در ایجاد و تقویت امنیت اجتماعی از دیدگاه اسلام چیست؟ آموزش هریک از افراد جامعه در ایجاد و تقویت امنیت اجتماعی چگونه است؟ در این راستا برای دستیابی به پاسخ این سؤالات، موضوع امنیت و ابعاد و انواع آن از دیدگاه قرآن و روایات مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۱. مفهوم‌شناسی مصطلحات

۱-۲-۱. آموزش: اسم‌مصدر از آموختن، عمل آموختن و تعلیم‌دادن (دهخدا، ۱۳۲۵: ۱۸۱-عمید، ۱۳۶۳: ۴۹-معین، ۱۳۷۶: ۱/۹۲).

۱-۲-۲. حق: راست کردن سخن، درست کردن وعده، یقین نمودن، ثابت شدن، موجود ثابت و نامی از اسامی خداوند متعال، عدل، انصاف، نصیب، بهره، ملک و مال (دهخدا، ۱۳۲۵: ۹۱۴۲/۶ - معین، ۱۳۷۶: ۱/۳۶۳). قدرت یا امتیازی که کسی یا جمعی سزاوار برخورداری از آن است. مثل (حق حیات) و به‌ویژه قدرت یا امتیازی که به‌موجب قانون (حق قانونی) یا عرف مقررشده باشد. اصولاً افراد جامعه بر اثر روابط و مناسبات خود یک‌رشته اختیارات و امتیازات به دست می‌آورند که مجموعه آن را حقوق می‌نامند که مشتمل بر اختیارات مدنی، اجتماعی، سیاسی و همه مزایا و سلطه‌هایی است که از قانون ناشی می‌شود (آقابخشی و افشاری راد، ۱۳۸۳: ۵۹۴). حقوق نیز در اصطلاح: به معنی نظام حاکم بر رفتار اجتماعی شهروندان یک جامعه، یعنی مجموعه بایدها و نبایدها که اعضای جامعه ملزم به رعایت آنها هستند و دولت ضمانت اجرای آن را به عهده دارد. بر اساس این قواعد اختیارات و آزادی‌های هرکس و تکالیفی که در برابر دیگران دارد تعیین می‌گردد (مصباح یزدی، ۱۳۷۷: ۱/۱۷).

۱-۲-۳. امنیت: در امان بودن، ایمنی، آرامش و آسودگی (عمید، ۱۳۶۳: ۱۹۸). راغب، لغت‌شناس برجسته قرآن کریم در تعریف امنیت آورده است: اصل امنیت، طمأنینه و آرامش نفس و ازمیان‌رفتن ترس و خوف است (راغب اصفهانی، ۱۳۶۹: ۲۰۵/۱). در ادبیات سیاسی معاصر امنیت به معنای مصونیت از تعرض و تصرف اجباری و بدون رضایت و دورماندن از مخاطرات و تعدیات به حقوق و آزادی‌های

مشروع، وجود اطمینان به سلامت و جان، مال و ناموس است (آقابخشی و افشاری راد، ۱۳۸۳: ۶۱۲ - جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۱ / ۶۴۱).

۴-۲-۱. **شهروند:** معادل واژه انگلیسی (سیتی‌زن) به معنای بومی، شهری، اهل شهر، تابع، رعیت (حییم، ۱۳۷۹: ۸۶). در تعریف اصطلاحی شهروند گفته شده، شهروند فردی است در رابطه با یک دولت که از سویی برخوردار از حقوق سیاسی و مدنی و از سوی دیگر در برابر دولت تکالیفی برعهده دارد (آشوری، ۱۳۷۳: ۲۲۱). برخی دیگر واژه شهروند را مترادف با ملت قرار داده‌اند و بیان کرده‌اند، شهروند به (گروه انسانی که اعضای آن در اثر عوامل پیوند دهنده مادی و معنوی به یکدیگر وابسته گردند و نسبت به جماعت احساس تعلق کنند و سرنوشت خود را با سرنوشت سایر اعضایش یکی بدانند) گفته می‌شود (قاضی شریعت‌پناهی، ۱۳۸۲: ۵۷).

۵-۲-۱. **شهروندی:** عبارت است از مجموعه حقوق، وظایف و مسئولیت‌های دوسویه آدمیان در جامعه به منظور دستیابی و بهره‌مندی هم‌سان و عادلانه همه افراد از منابع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، زیستی و... بدون دخالت و در نظر گرفتن زبان، نژاد، قوم، جنسیت، رنگ، اعتقاد، طبقه و منزلت اجتماعی و اقتصادی است (مرادخانی و خزائی، ۱۳۹۴: ۷۲).

۶-۲-۱. **روایات:** جمع روایت، نقل سخن و یا خبر از کسی (دهخدا، ۱۳۴۶: ۱۶۸۲- عمید، ۱۳۶۳: ۶۶۴). به سخنان نقل شده از پیامبر اسلام (ص) و دیگر معصومین (ع) نیز روایت گفته می‌شود.

۲. دیدگاه قرآن و روایات درباره امنیت

در اندیشه اسلام امنیت یکی از اصول اجتناب‌ناپذیر زندگی و عنصری ضروری در بهره‌وری از مزایا و مواهبی که خداوند در اختیار بشر قرار داده و زمینه‌ساز تکامل و

ارتقای بشر است. در فرهنگ اسلام باتوجه به اهمیت زیاد امنیت و آرامش در سعادت بشر، به این امر توجه ویژه‌ای مبذول شده و در آیات و روایات مختلفی به آن پرداخته شده و تأمین و تضمین امنیت فردی و اجتماعی شهروندان در ابعاد مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، حقوقی، اقتصادی و نظامی به اشکال مختلف مورد تأکید قرار گرفته است و یکی از اساسی‌ترین و اصلی‌ترین نیازهای یک ملت و یک کشور است (مقام معظم رهبری، ۱۲۷۹/۰۷/۱۸) که بدون برخورداری از آن، اهداف دیگر بشر مانند عدالت و آزادی و رشد و پیشرفت علمی و معنوی، به دست نمی‌آید؛ از این رو، از دیرباز مورد توجه بوده و تلاش برای وضع قانون و تشکیل حکومت و برقراری نظم در جامعه، برای تأمین این نیاز اساسی انجام گرفته است. همچنین امنیت شهروندان را حفظ حریم خصوصی آن‌ها و دفاع از حقوق و آزادی‌هایشان دانسته‌اند که وظیفه حکومت است (ورعی، ۱۳۸۱: ۵۲۹). بر این اساس هیچ عنصری برای پیشرفت، توسعه و تکامل یک جامعه و شکوفایی استعدادها مهم‌تر از عنصر امنیت نیست. مهم‌ترین حق از میان حقوق که پایه و اساس همه آزادی‌های بشر بوده و بدون آن آزادی انسان هم معنا و مفهومی نخواهد داشت. قرآن کریم شهری را که از نعمت امنیت برخوردار باشد را به‌عنوان شهر نمونه و آرمانی معرفی نموده: «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ»؛ خدا شهری را مثل زده است که امن و امان بود و روزیش از هر سو فراوان می‌رسید، پس ساکنانش نعمت‌های خدا را ناسپاسی کردند و خدا هم به سزای آنچه انجام می‌دادند، طعم گرسنگی و هراس را به آنان چشانید (نحل/۱۱۲). مفسرین در تفسیر آیه بیان نموده‌اند که: خداوند قریه‌ای را مثال می‌زند، که اهلس از هر گونه شری که جان و عرض و مال‌شان را تهدید کند، در امنیت بودند و برای روزی نیاز به پیمودن کوه و دشتی نداشتند، رزق پاک و بسیاری از هر سو به طرف ایشان سرازیر بود تا اینکه ناسپاسی کردند (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۱۵۹/۳ - طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵۲۲/۱۲ - ۵۲۳).

با دقت در آیه دریافت می‌شود که امنیت اجتماعی از نعمت‌های الهی است که زمینه ساز رفاه و فراوانی نعمت می‌باشد و خداوند متعال در این آیه وجود امنیت را یکی از نشانه‌های تمدن و رشد اجتماعی امم گذشته در زندگی آن‌ها نام برده و تصریح می‌نماید که شهرآرمانی و مثال زدنی قرآن، شهری است امن و اطمینان بخش که این آرامش، اطمینان و برکات نتیجه ایمان افراد آن جامعه است. نتیجه آنکه ایمان عاملی بسیار مهم در ایجاد رفاه و امنیت و کفر و ناسپاسی عاملی بسیار مهم در زوال امنیت است و همچنین در نصوص اسلامی از عواملی چون محاربه، بغی، طاغوت، استکبار، فتنه، ظلم، إرهاب و ملاء به عنوان ساز و کارهای ناامنی نام برده شده که هر کدام از آن‌ها بخشی از حقوق عمومی و آزادی‌های جامعه را تهدید می‌کند (عمید زنجانی، ۱۳۸۹: ۳۲۷).

۲-۱. امنیت معنوی

یکی از مهم‌ترین ابعاد امنیت از دیدگاه قرآن کریم، امنیت معنوی است. تعامل ایمان و امنیت به‌خوبی در قرآن نمایان شده است و به انسان‌ها می‌آموزد که امنیت واقعی و سرچشمه اصلی آن در امنیت معنوی است و آن نیز در ایمان به خدا و کسب رضایت الهی محقق می‌شود. توحید موجد نوعی آرامش و اطمینان است که مطابق نظریات جدید و پیشرفته امنیتی، جوهره «امنیت واقعی» به شمار می‌آید. به همین دلیل ایمان و ایمنی در منطق الهی توأم‌اند و در تفکر قرآنی، ظلم و شرک نقطه مقابل ایمان و امنیت هستند (اخوان کاظمی، ۱۳۸۶ ب: ۱۹). قرآن کریم به یکی از آثار و برکات ایمان اشاره نموده و می‌فرماید: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَ هُمْ مُهْتَدُونَ؛ کسانی که ایمان آورده و ایمان خود را به شرک نیالوده‌اند، آنان راست ایمنی و ایشان راه‌یافتگان‌اند» (انعام / ۸۲). علامه طباطبایی در تفسیر گران‌سنگ میزان می‌فرماید: «امن» و «اهتداء» از خواص و آثار ایمان است، البته به شرط اینکه ایمان به‌وسیله ظلم پوشیده نشود (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۸۰/۷).

آیت‌الله مکارم شیرازی می‌فرماید: از آنجاکه آیات قرآن در بسیاری از موارد دو یا چند معنی را در بردارد که ممکن است یکی از دیگری گسترده‌تر و عمومی‌تر باشد، این احتمال در آیه نیز هست، که «امنیت» اعم امنیت از مجازات پروردگار و یا امنیت از حوادث دردناک اجتماعی باشد. امنیت و آرامش روحی تنها موقعی به دست می‌آید که در جوامع انسانی دو اصل حکومت کند، ایمان و عدالت اجتماعی، اگر پایه‌های ایمان به خدا متزلزل گردد و احساس مسئولیت در برابر پروردگار از میان برود و عدالت اجتماعی جای خود را به ظلم و ستم بسپارد، امنیت در چنان جامعه‌ای وجود نخواهد داشت (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۳۲۱/۵). آیه مؤید این نکته است که مبنا و سرچشمه اصلی امنیت، ایمان الهی است که همه ابعاد وجودی انسان‌ها را در دنیا و آخرت پوشش می‌دهد. به‌طور کلی در اندیشه قرآن پیوند عمیقی میان ابعاد مختلف امنیت با ایمان و باورهای دینی و امنیت معنوی وجود دارد.

۲-۲. امنیت جانی و حق حیات

امنیت جانی انسان‌ها که مهم‌ترین عنصر حقوق شهروندی است، یک نیاز عمومی است و به‌قدری دارای ارزش است که این موضوع در قوانین اساسی کشورها و اسناد بین‌المللی به‌خوبی منعکس شده است؛ زیرا اصولاً، انسان تنها در پرتو بهره‌مندی از مقتضیات کرامت ذاتی و به‌ویژه نعمت امنیت است که می‌تواند تمام امور دنیوی و اخروی خویش را با آسایش سامان دهد (انتظاری و ستوده، ۱۳۹۶: ۹) و طبق آیه «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء/۷۰). بر کرامت و ارزش والای جان انسان تأکید شده و خداوند در قرآن انسان را در موارد متعددی ستوده و او را اشرف مخلوقات می‌داند و می‌فرماید: «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا»؛ هر کس نفسی را بدون حق و یا بی‌آنکه فساد و فتنه‌ای در زمین کرده، بکشد مثل آن باشد که همه مردم را کشته است (مائده/۳۲). از تحریم قتل در آیه، اهمیت امنیت جانی افراد جامعه در نگاه اسلام به‌خوبی استنباط می‌شود و همچنین اصل

۲۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که برگرفته شده از شرع است، مقرر می‌دارد: حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.

۲-۳. امنیت اجتماعی

امنیت اجتماعی، بنیادی‌ترین نیاز هر جامعه به شمار می‌رود و از این‌رو از دهه‌ها و سالیان گذشته، مورد توجه صاحب‌نظران و نظریه‌پردازان بوده است و مهم‌ترین عامل برای دوام زندگی اجتماعی به شمار می‌رود و همچنین امنیت اجتماعی یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده امنیت ملی است چنانچه به هر میزان این مؤلفه، در میان سایرین نقش بیشتری داشته باشد امنیت ملی پایدارتر، کم‌هزینه‌تر و بالنده‌تر است (کریمایی، ۱۳۸۴: ۱۴۰). دین مبین اسلام برحق زیستن انسان در محیط امن تأکید ویژه‌ای دارد و آن را از حقوق مسلم شهروندان برمی‌شمارد؛ لذا درباره عوامل تهدیدکننده امنیت اجتماعی هشدار داده و می‌فرماید: «إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ»؛ سزای کسانی که با دوستداران خدا و پیامبر او می‌جنگند و در زمین به فساد می‌کوشند، جز این نیست که کشته شوند یا بردار آویخته گردند یا دست‌وپایشان در خلاف جهت یکدیگر بریده شود یا از آن سرزمین تبعید گردند (مائده/ ۳۳). مفسرین در تفسیر آیه فرموده‌اند: منظور از جنگ با خدا و پیامبرش آن است که کسی یا کسانی امنیت عمومی مردم را به مخاطره اندازند، در این حالت تجاوز به مردم، تجاوز به خدا و پیامبر محسوب می‌شود. از این‌رو، حدود خداوند درباره تجاوزگر اجرا می‌شود و مراد از فساد در زمین در این جا قطع طریق و راهزنی به طور مسلحانه است. به تعبیر دیگر کسی که از راه اسلحه مردم را تهدید کند و امنیت مردم را در معرض خطر قرار دهد و اغتشاش و اضطراب در میان مردم ایجاد کند و امنیت عمومی را دچار اختلال کند و منظور آیه

مطلق محاربه با مسلمانان نیست (مغنیه، ۱۳۷۸: ۸۵/۳ - طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵/۵۳۲). خداوند در این آیه بر ضرورت پاسداری از امنیت و سلامت جامعه با سرکوب آشوبگران و فساد انگیزان، خواهان تأمین امنیت و حفظ و صیانت از آن است، به گونه‌ای که برهم‌زدن نظم و امنیت اجتماعی را جرم بزرگی اعلام نموده و مجازات سنگینی (قتل، به دار آویختن، قطع دست‌وپا و تبعید) برای برهم‌زنندگان امنیت عمومی جامعه تعیین نموده است. واضح است این دستورهای حکیمانه به انسان‌ها می‌آموزد که مقررات برای حفظ و پاسداری از امنیت و سلامت جامعه و پیشگیری از آشوبگری، فتنه‌انگیزی، ناامنی، فساد اجتماعی است و از پیامبر (ص) نقل شده است که ایشان فرمودند: «نعمتان مکفورتانِ الأمانُ و العافیةُ»؛ دو نعمت هستند مجهول‌اند «امنیت و سلامتی» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۷۰/۸۱). امام‌صادق (ع) زندگی بدون امنیت را ناقص و ناگوار شمرده و می‌فرماید: «خَمْسُ خِصَالٍ مَنْ فَقَدَ مِنْهُنَّ وَاحِدَةً لَمْ يَزَلْ نَاقِصَ الْعَيْشِ زَائِلَ الْعَقْلِ مَشْغُولَ الْقَلْبِ فَأَوْلَاهَا صِحَّةُ الْبَدَنِ وَ الثَّانِيَةُ الْأَمْنُ وَ...»؛ پنج چیز است که اگر یکی از آنها برقرار نباشد، زندگی ناقص و ناگوار است؛ عقل نابود می‌شود و مایه دل مشغولی می‌گردد. اولین این پنج چیز، سلامتی و دومین آن امنیت است... (همان، ۱۴۰۳: ۱۷۱/۷۸). از این سخنان گهربار می‌توان اهمیت امنیت را به عنوان یک نعمت ارزشمند استنباط نمود و بر همه شهروندان در تمام مقاطع زندگی لازم است که این مقررات را بیاموزند و بکارگیرند.

۲-۴. امنیت مسکن

یکی از مصداق امنیت فردی و اجتماعی، مسئله امنیت مسکن است. آیات و روایات فراوانی از زوایا و حیثیت‌های گوناگون بر لزوم حریم خصوصی افراد و عدم جواز تصرف بدون جلب رضایت صاحبان آن دلالت می‌کند. مسکن تنها محل سکونت و آرامش اشخاص و اعضای خانواده آن‌ها نیست، بلکه علاوه بر آن حریم خصوصی محسوب می‌شود و از آنجاکه مسکن محل آرامش و خلوتگاه اشخاص است، باید از

هرگونه تعرضی مصون باشد. بر اساس این اصل رعایت حریم خصوصی شهروندان از مرزهای داخلی لازم‌الرعایه برای زمامداران جامعه نیز هست و تا ضرورت حکومتی و مصلحت عمومی اقتضا نکند و حریم خصوصی افراد در تعارض با تأمین و تحکیم صلاح و فلاح اجتماع قرار نگیرد، تعرض به این حریم برای حاکمان جایز نخواهد بود (مفتح، ۱۳۹۰: ۲۲۰-۲۲۵). قرآن در خصوص مصونیت خانه و مسکن به‌صراحت سخن گفته و افراد را از ورود به منازل دیگران بدون اجازه منع نموده است «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْنِسُوا؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به خانه‌هایی که خانه‌های شما نیست داخل مشوید تا اجازه بگیرید» (نور/۲۷). مفسرین در ذیل تفسیر آیه فرموده‌اند: خداوند در آیه دستور می‌دهد که هنگام وارد شدن به خانه دیگری، باید از صاحب‌خانه درخواست اجازه شود از اینجا معلوم می‌شود که مصلحت این حکم پوشاندن عیوب مردم، و حفظ احترام به آنان است و شخص با کسب اجازه از صاحب‌خانه در حقیقت وی را نسبت به خود ایمنی‌اش داده است (سمرقندی، ۱۴۱۶: ۲/۵۰۶ - طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۵/۱۵۳).

۲-۵. امنیت حیثیتی

امنیت در تفکر اسلامی، نه‌تنها در مورد جان و مال و حقوق و... صادق است، بلکه شامل شخصیت و شرف و حیثیت نیز است. حیثیت که مترادف آن آبرو، اعتبار و شأن اجتماعی، به‌عنوان یکی دیگر از حقوق شهروندان است و تجلی حیات معنوی فرد در روابط انسانی تلقی می‌شود. امنیت در تفکر اسلامی فقط در مورد جان، مال، حقوق و مسکن نیست؛ بلکه شامل شخصیت و حیثیت و آبروی انسان نیز می‌شود. در نظام حقوقی اسلام برای حفظ شخصیت هر فرد احکامی وجود دارد و هرگونه عملی که به شخصیت افراد لطمه وارد کند ممنوع شده است غیبت، تهمت، عیب‌جویی، مسخره‌کردن، تجسس، طعنه‌زدن و سخن‌چینی از مواردی هستند که به آبروی افراد لطمه می‌رسانند و به همین دلیل از آنها نهی شده است (حقیقت و میر

موسوی، ۱۳۸۱: ۲۳۹). در فقه اسلامی روی حرمت حیثیت و آبروی افراد تکیه فراوان شده است، لذا تجسس از احوال محرمانه، یکی از مظاهر تجاوز به حریم خصوصی شهروندان جامعه برشمرده شده است در این زمینه آیات فراوانی مبنی بر نهی مؤکد شارع مقدس از جاسوسی و کسب مخفیانه اخبار به چشم می‌خورد «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید که پاره‌ای از گمان‌ها گناه است، و جاسوسی نکنید و بعضی از شما غیبت بعضی نکند (حجرات/۱۲). مفسران در تفسیر آیه فرموده‌اند: خداوند در این آیه از بدگمانی و غیبت و جستجو درباره عیوب مردم نهی کرده تا با یادگیری و به‌کاربردن آن، امنیت اشخاص در جامعه حفظ شود. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۵۲/۵ - طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴۸۳/۱۸). علامه طباطبایی علاوه بر آن در توضیح واژه «تجسس» فرموده: تجسس کسب هرگونه خبری نیست؛ بلکه کلمه تجسس به معنای پیگیری و تفحص از اموری است که مردم، دوست دارند پنهان بماند. در واقع کسب اخباری که صاحبان آن اطلاع‌یافتن آن توسط کسب‌کننده خبر رضایت ندارند جاسوسی می‌نامند خداوند در آیه دیگری برای حفظ کرامت انسان به مقابله برخاسته و راه‌های تهدیدکننده امنیت حیثیتی را مسدود نموده و فرموده: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِّنْ ... وَ لَا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ وَ لَا تَنَابَزُوا بِاللُّقَابِ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، نباید قومی قوم دیگر را ریشخند کند ... و از یکدیگر عیب مگیرید و به همدیگر لقب‌های زشت مدهید (حجرات/۱۱). مفسرین در تبیین آیه فرموده‌اند: سخریه به معنای استهزاء است و آن حالتی است که چیزی گفته شود و دیگری با آن حقیر و خوار شود براین‌اساس خداوند در این آیه مؤمنان را از مسخره کردن یکدیگر به شدت نهی نموده است. همچنین خداوند از عیب‌جویی و فاش نمودن عیوب دیگران و دادن القاب زشت به یکدیگر و بدزبانی به شدت نهی کرده است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴۸۱/۱۸ - طبرسی، ۱۳۹۰: ۲۰۸-۲۱۸). از بررسی آیات دریافت می‌شود که دستورهای

شش‌گانه‌ای که در این دو آیه مطرح شده است (نهی از سخریه، عیب‌جویی، القاب زشت، گمان بد، تجسس و غیبت) از جمله مواردی هستند که حیثیت و آبروی اشخاص را تحت تأثیر قرار داده و امنیت انسان را تهدید می‌نماید. براین اساس است که خداوند برای حفظ امنیت و کرامت انسان‌ها مؤمنان را از انجام این امور به شدت نهی نموده است. پیامبر اکرم (صلی‌الله علیه و آله) نیز در این رابطه فرموده‌اند: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى حَرَّمَ مِنَ الْمُسْلِمِ دَمَهُ وَ مَالَهُ وَ أَنْ يُظَنَّ بِهِ ظَنَّ السَّوِّءِ»؛ خداوند متعال، تعرض به جان و مال مسلمان و سوءظن و گمان بد بردن به او را حرام فرموده است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۱/۶۴). تعبیرات آیات فوق و نیز روایات اسلامی نشان می‌دهد که آبرو و حیثیت افراد همچون مال و جان آن‌ها است و تحریم بسیاری از اموری که مرتبط با حقوق مردم است، در واقع نوعی پیشگیری و بازدارندگی از عوامل تهدیدکننده امنیت و مصونیت شخصیتی و حیثیتی افراد جامعه است.

۲-۶. امنیت سیاسی

از دیگر ابعاد امنیت که پیوند عمیقی با امنیت اجتماعی دارد، امنیت سیاسی است. امنیت سیاسی، یعنی امکان اظهارنظر افراد، پیرامون چگونگی اداره امور جامعه و شرکت در این‌گونه امور بدون احساس بیم، هراس، خطر و تهدید (شعبانی، ۱۳۸۱: ۱۱۹). به بیان دیگر امنیت سیاسی به معنای تأمین آرامش و طمأنینه لازم توسط حاکمیت یک کشور برای شهروندان قلمرو خویش از راه مقابله با تهدیدات مختلف خارجی و همچنین تضمین حقوق اساسی آنان در مشارکت و رقابت و نهادسازی به‌منظور تعیین سرنوشت اجتماعی و سیاسی آنها است (اخوان کاظمی، ۱۳۸۶ الف: ۲۸). در حوزه سیاسی اصول، اهداف در قانون اساسی مطرح شده که برای فرد در اجتماع امنیت‌بخش می‌باشد و عبارتند از: استعمار و نفوذ خارجی باید طرد شود (بند پنجم، اصل سوم) هرگونه استبداد، خودکامگی و انحصارطلبی باید محو گردد (همان، بند ششم) آزادی‌های سیاسی و اجتماعی باید تأمین شود (همان، بند هفتم)

عامه مردم باید در تعیین سرنوشت سیاسی خویش مشارکت داشته باشند (همان، بند هشتم) و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است این اصل را برای عموم شهروندان به اجرا گذارد.

۲-۷. امنیت حقوقی و قضائی

امنیت قضایی مردم یکی از حوزه‌های مهم و قابل توجه است که ابعاد دیگر امنیت را تحت پوشش قرار می‌دهد. قضا و جایگاه آن در فرهنگ و نظام اسلامی، از جایگاه رفیع و والایی برخوردار است. از امنیت حقوقی و قضائی شهروندان تعاریف مختلفی به عمل آمده و هر یک از تعاریف یک جنبه از مسائل امنیت حقوقی را مورد توجه قرار داده‌اند. اعتماد شهروندان به قوه قضائیه توانمند و سالم و احترام و التزام به قانون و تساوی تمام افراد جامعه در برابر قانون، امنیت قضائی را تشکیل می‌دهد ملاک و مبنای اصلی ایمنی و امنیت قضائی در یک جامعه، عدالت‌ورزی آن است یک نظام قضائی باید عدالت‌پذیر، عدالت‌گستر و درحقیقت عدالت‌محور باشد تا بتواند ایمنی واقعی قضائی یا حقوقی آحاد جامعه را فراهم نماید قرآن مجید در همین زمینه، حقوق مردم را به امانت‌هایی تشبیه می‌کند که قاضی می‌بایست با قضاوت عادلانه آن را به افراد شایسته و مستحق آن برگرداند (اخوان کاظمی، ۱۳۸۶ ب: ۳۵). در این خصوص خداوند برای جلب اعتماد عمومی و به منظور تحقق امنیت حقوقی، عموم متصدیان قضا را به رعایت امانت و اجرای عدالت در حکم فرمان داده و می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ»؛ خدا به شما فرمان می‌دهد که سپرده‌ها را به صاحبان آنها رد کنید و چون میان مردم داوری می‌کنید، به عدالت داوری کنید (نساء/۵۸). علامه طباطبایی بر این عقیده است که: این آیه از دو قسمت تشکیل شده: یکی دستور به ادای امانات به صاحبانش و دیگری به عدالت حکم کردن است. مرحوم علامه در تفسیر قسمت اول آیه می‌فرماید: منظور از امانات تنها امانت‌های مالی نیست، بلکه

شامل امانت‌های معنوی از قبیل علوم و معارف حقه که باید به اهلش برسد نیز می‌شود و در تفسیر قسمت دوم آیه می‌فرماید: خداوند به عموم مردم خطاب می‌کند که وقتی در بین کسانی که اختلاف دارند حکم می‌کنید به عدالت حکم کنید (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۶۰۲/۴). صاحب تفسیر کاشف بر این عقیده است که دو قسمت آیه به هم مرتبط است. ایشان در تفسیر آیه فرموده‌اند: عدالت قاضی در این است که، میان دو متخاصم در هر چیزی به طور برابر رفتار کند و حق هر صاحب حقی را، صرف‌نظر از دین و عقیده، دوستی و دشمنی و عظمت و حقارت او بدهد. این مفسر ایجاد عدالت را تنها به قاضی اختصاص نمی‌دهد، بلکه والی را نیز از جمله کسانی می‌داند که باید به عدالت رفتار نماید و امانات را به اهلش بسپارد یعنی والی در انتصاب افرادی که پست‌های حساس را برعهده دارند نهایت دقت را داشته باشد و امانت‌های جامعه را به افرادی که شایستگی آن‌را دارند بسپارد. تا امنیت از طریق عمل کرد شایسته آنان در جامعه ایجاد شود (مغنیه، ۱۳۷۸: ۲ / ۵۶۱-۵۶۳). از تفسیر آیه دریافت می‌شود که سیستم قضایی هر حکومتی باید پیام‌آور عدالت و تأمین‌کننده آرامش و امنیت جامعه باشد. چرا که استقرار عدالت منجر به استقرار امنیت می‌شود و این به وجود محاکم اجرایی صالح بستگی دارد و همچنین، اصل امنیت حقوقی به دلیل شفاف سازی رابطه بین شهروندان و قدرت سیاسی (در تصریح حق‌ها و تکالیف) حق‌ها و آزادی‌های شهروندی را تضمین می‌نماید و این اصل با امنیت قضایی ارتباط می‌یابد و در واقع جلوه‌های این دو اصل یکدیگر را تکمیل می‌کنند: اصل امنیت حقوقی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تضمین شده است و بند ۱۴ اصل ۳ این قانون یکی از وظایف دولت جمهوری اسلامی ایران را تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون می‌داند و اصل ۲۲ قانون اساسی «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند» مکمل اصل قبلی است.

۲-۸. امنیت فرهنگی

فرهنگ در لغت: (از: فر، پیشوند + هنگ) به معنی کشیدن و فرهختن (دهخدا، ۱۳۴۱: ۲۲۷) و نیز به معنی علم، دانش، ادب، تعلیم و تربیت، آثار علمی و ادبی یک ملتی و... (معین، ۱۳۷۶: ۵۳۸/۲) و در اصطلاح: «فرهنگ مجموعه دستاوردهای مادی و معنوی بشر در طی گذشت زمان است». که این دستاوردها به نسل بعدی به ارث می‌رسد و هر نسل حافظ آن می‌باشد و هویت و ریشه خود را در آن جستجو می‌کند (فردرو، ۱۳۸۱: ۲۹). آنچه امروزه «حقوق فرهنگی» نامیده می‌شود، به پس از دهه هفتاد میلادی بر می‌گردد که «توسعه فرهنگی» در میان برنامه‌ریزی‌ها و فعالیت‌های گوناگون ملی و بین‌المللی مطرح و کنفرانس عمومی یونسکو در دومین اجلاس خود، سال‌های ۱۹۹۷ تا ۱۹۸۸ به عنوان دهه جهانی توسعه فرهنگی اعلام کرد و قبل از آن، این موضوع در ماده ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر مطرح شده بود و در این ماده اعلام می‌دارد: «هر کس حق دارد که آزادانه در زندگی فرهنگی جامعه شرکت جوید. از هنرها برخوردار گردد و از پیشرفت‌های علمی و دست‌آوردهای آن بهره‌مند شود و از منافع معنوی و مادی هر اثر علمی، ادبی یا هنری که خود پدید آورنده آن است برخوردار شود» و گام مهم در توسعه مفهوم حقوق فرهنگی در میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۹۶ برداشته شد که علاوه بر بیان این حقوق، اتخاذ تدابیری برای اعمال کامل آنها توسط دولت‌های طرف این میثاق الزامی شد و بدین ترتیب فرهنگ و حقوق فرهنگی شهروندان، در اسناد بین‌المللی و اسناد داخلی به رسمیت شناخته شد و بر این اساس دولت‌های عضو از جمله ایران متعهد شدند اقدامات ضروری را در جهت حمایت از حقوق فرهنگی شهروندان خود انجام دهند. بدین ترتیب قوانین و مقررات فرهنگی متعددی در حقوق داخلی کشورها گنجانده شد، تا امنیت فرهنگی برقرار گردد. در ایران قانون اساسی بر مبنای اسلام تدوین شده و به همین جهت فرهنگ و حقوق فرهنگی در آن جایگاه ویژه‌ای دارد. طبق مقدمه این قانون، هدف،

رشد دادن انسان در حرکت به سوی نظام الهی و رسیدن به قرب الی‌الله است. تا زمینه شکوفایی استعداد‌های انسانی فراهم آید و در اصول متعدد آن بر حقوق فرهنگی تأکید شده است به گونه‌ای که در اصل ۲۰ به صراحت از آن یاد شده است؛ «همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند». در آیات مختلف قرآن کریم به خلقت گوناگون امت‌ها و ملت‌ها اشاره کرده دلیل این گوناگونی را شناخت ملت‌ها از یکدیگر معرفی می‌کند و خداوند می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ»؛ ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم، و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید. در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست. بی‌تردید، خداوند دانای آگاه است» (حجرات/۱۳). طبیعی است که شناخت امت‌ها از یکدیگر جز از راه ارتباط، تبادل نظر و گفت و گو امکان نخواهد داشت. قرآن، علاوه بر آن که بر روابط اجتماعی میان انسان‌ها تأکید فراوان دارد، آنان را به سیر و گردش در میان سایر اقوام و ملل و سیاحت در زمین فرامی‌خواند. «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلُ ... ؛ بگو: در روی این زمین سیر کنید، پس بنگرید که سرانجام کسانی که پیش از شما بودند، چگونه بود! ... (روم/۴۲) امروزه دشمن برای تخریب فرهنگی از جنگ نرم برای رسیدن به مقاصد خود استفاده می‌کند. یکی از شیوه‌هایی که در جنگ نرم به کار می‌رود، مشابه و همانندسازی و ایجاد متشابهات است تا با جای‌گزین‌سازی چیز تقلبی به جای اصیل، مردم را بدان سرگرم کنند و حق و باطل را در هم آمیزند و مقاصد خویش را تحقق بخشند. قرآن به این مسئله از جهات گوناگون پرداخته است. گزارش‌های قرآنی روشن می‌سازد که این شیوه بارها از سوی دشمنان قرآن و اسلام به کار گرفته شده است. از جمله کارهایی که در جنگ نرم در عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله) انجام گرفت، همانندسازی دشمن و

منافقان با پایگاه‌های دولت اسلامی بود. منافقین در برابر مسجد پیامبر (صلی الله علیه و آله) مسجد ضرار را ساختند تا با متشابه و مشابه سازی کارهای خویش را پیش می‌بردند. قرآن کریم در رابطه با ماجرای مسجد ضرار که به عنوان پایگاهی برای ضرر و زیان رسانی به جامعه اسلامی بنا شده بود می‌فرماید: «وَ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضَرَارًا وَ كُفْرًا وَ تَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَ لِيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَى...»؛ و آن کسانی که مسجدی بنا کردند برای ضرر رسانیدن به مؤمنین و تقویت کفر و جدائی بین مؤمنین و انتظار می‌برند کسی را که با خدا و رسولش در پیش جنگ می‌کردند و همانا آن‌ها قسم یاد می‌کنند که ما اراده نکردیم مگر خوبی را... (توبه/۱۰۷). مفسرین در تفسیر آیه فرموده‌اند: منافقین مسجد ضراراً را به منظور ضربه زدن به مسجدقبا، ترویج کفر به خدا و رسول، تفرقه میان مؤمنینی که در مسجدقبا جمع می‌شدند و محل کمین برای رسیدن ابی‌عامر اهب (محارب خدا و رسول) ساخته بودند، لذا خدای تعالی به پیامبر خبر داد که آنان قسم خواهند خورد بر اینکه ما از ساخت این مسجد هدفی جز کار نیک و زیاد کردن مساجد برای ایجاد تسهیلات برای مؤمنین جهت دسترسی به مساجد نداریم (طباطبایی، ۱۳۷۴/۱: ۵۳۱/۹ - طبرسی: بی‌تا: ۲۱۲/۱۱). از آیه برداشت می‌شود که مخالفان اسلام از هر فرصتی برای ایجاد تفرقه در میان مسلمانان استفاده نموده و تمام این اهداف شوم را در یک لباس زیبا و ظاهر فریب‌پسیده و ارائه می‌کنند. لذا، تأمین و تضمین امنیت فرهنگی حق مردم و تکلیف صاحبان قدرت است این حق مردم است که اخلاق و معنویت در جامعه مورد تعرض قرار نگیرد. توسعه و شکوفایی همه‌جانبه‌نگامی میسر خواهد بود که حریم فضایل و ارزش‌های انسانی در جامعه حفظ گردد. دولت‌ها موظفند همانگونه که به بهداشت محیط زیست و بهداشت روانی اهمیت می‌دهند به بهداشت معنوی جامعه نیز اهمیت بدهند. بنابراین سالم سازی محیط اجتماعی و صیانت از اخلاق و ارزش‌های اخلاقی در جامعه، حق مردم و تکلیف دولت است (جوان آراسته، ۱۳۹۱: ۱۲۳). به

طور کلی فرهنگ زنده و پویا رمز وحدت ملت و محور امنیت و پایداری در برابر توطئه‌های دشمنان است و این وظیفه دولت است که با گسترش فرهنگ اسلامی در عرصه‌های مختلف برای رشد اخلاقی و معنوی مردم نقش آفرینی کند.

۲-۹. امنیت اقتصادی

یکی از وجوه بسیار بااهمیت امنیت، بعد اقتصادی آن است از دیدگاه صاحب‌نظران امنیت مالی شامل مصونیت اموال مشروع هر فرد در مقابل تعرضات و نیز امنیت شغل که زمینه‌ساز درآمد مالی و امنیت سرمایه در برابر شرایطی مانند کساد، تورم، ورشکستگی و کلیه عوامل زیان‌آور است (عمید زنجانی، ۱۳۸۵: ۱۷۷/۷). در مکتب اسلام از وسعت قوانین و مقررات و محدودیت‌هایی که در ابعاد گوناگون مقرر شده دامنه وسیع امنیت مورد نیاز شهروندان استفاده می‌شود. موضوعاتی مانند: ممنوعیت تصرف در اموال دیگران بدون اجازه مالک، حرمت کم‌فروشی، اجحاف و گران‌فروشی، احتکار، کلاهبرداری، گرفتن رشوه، همگی برای تأمین امنیت اقتصادی و مالی شهروندان است (ورعی، ۱۳۸۱: ۵۳۲). قرآن کریم در آیات متعددی امنیت اقتصادی و سازوکارهای تأمین و تقویت آن را، به‌گونه‌ای بسیار دقیق و ملموس، مورد تبیین و تصریح قرار داده است: «وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا»؛ چون پیمان‌ها را تمام دهید و با توازی درست بسنجید (اسراء/۳۵). مفسرین در تفسیر آیه می‌فرمایند: خداوند در این آیه سفارش می‌کند که در توازی عدالت داشته باشید و هنگامی که با پیمان‌ها چیزی را می‌سنجید حق آن را ادا کنید و با میزان و توازی صحیح و مستقیم وزن کنید (سمرقندی، ۱۴۱۶: ۳۱۱/۲- طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۲۵/۱۳). علاوه بر آن مرحوم علامه طباطبایی درباره کلمه «قسطاس مستقیم» می‌فرماید: منظور توازی عدلی است که هرگز در وزن خیانت نمی‌کند و علت اینکه خداوند می‌فرماید ایفاء کیل و قسطاس مستقیم بهتر است، برای این است که اولاً کم‌فروشی یک نوع دزدی ناجوانمردانه

است و ثانیاً اطمینان و اعتماد را از بین می‌برد و «أحسن تأویلاً» بودن این دو عمل از این جهت است اگر مردم این دو وظیفه را عمل کنند، یعنی کم نفروشدند و زیاد نخرند، رشد و استقامت اقتصادی ایجاد می‌شود؛ اما اگر پای کم‌فروشی به میان آید حساب زندگی بشر اختلاف پیدا کرده و امنیت عمومی از میان می‌رود. ولی اگر کیل و وزن به طور عادلانه جریان یابد زندگی و اقتصاد رشد و استقامت یافته و امنیت عمومی برقرار می‌شود. قرآن کریم در این آیه با توصیه به دادوستد سالم می‌خواهد بستر لازم را برای برخورداری جامعه از امنیت را فراهم کند و می‌خواهد بیان کند که این‌گونه مبادلات تجاری موردنظر قرآن ضامن امنیت است. قرآن کریم در آیات دیگری تنظیم امور اقتصادی جامعه را از وظایف کارگزاران و دولتمردان برشمرده و اصلاح آن را برعهده دولتمردان نهاده است هم چنان‌که همین امر از مهم‌ترین رسالت‌های شعیب (ع) پس از دعوت به توحید بوده است «... فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَ لَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ...»؛ پس پیمانده و ترازو را تمام نهدید و اموال مردم را کم مدهید و در زمین، پس از اصلاح آن فساد مکنید (أعراف / ۸۵). مفسرین در تفسیر آیه بیان نموده‌اند: حضرت شعیب (ع) بعد از آنکه قوم خود را به توحید دعوت کرد، ابتدا قوم خود را به وفای به کیل و میزان و اجتناب از کم‌فروشی دعوت نمود و سپس آنان را دعوت به این معنا کرد که در زمین فساد ایجاد نکنند و منظور از فساد آن گناहانی است که باعث سلب امنیت در اموال و اعراض و نفوس اجتماع می‌شود؛ مانند راهزنی، غارت، تجاوزهای ناموسی و قتل و امثال آن که امنیت عمومی را که محور چرخ اجتماع انسانی است از بین می‌برد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۳۶/۸ - طبرسی: بی تا: ۱۷۳/۹). از بررسی آیات مربوطه دریافت می‌شود که بخش مهمی از امنیت اقتصادی منوط به رعایت اصول و معیارهای اخلاقی است که باعث گسترش امنیت در بعد فردی و اجتماعی می‌شود. از دلایل دیگری که دلالت بر امنیت اقتصادی می‌کند، برخورد قاطع اسلام نسبت به سارق و دستور قطع دست او برای حفظ و امنیت مالی و اقتصادی در جامعه است

«وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالاً مِنَ اللَّهِ»؛ مرد و زن دزد را به (سزای) آنچه کرده‌اند، دست‌شان را به عنوان کیفری از جانب خدا ببرید (مائده ۳۸) و هم‌چنین وفای به عهد و پیمان‌های اجتماعی شیرازه روابط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه هستند و لحاظ کردن چنین مؤلفه‌هایی در حوزه تعاملات اجتماعی موجب مودت و رحمت و وحدت و همبستگی و ارتقاء امنیت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و در نهایت رشد و کمال جامعه می‌شود (ایزدی و عاشوری رود پستی، ۱۳۹۲: ۸۱). قرآن کریم در توصیف مؤمنان یکی از ویژگی آنان را وفاداری به عهد و پیمان عنوان نموده و می‌فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ...الَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ»؛ همانا اهل ایمان رستگار شدند. آنان که امانت‌ها و پیمان خود را رعایت می‌کنند (مؤمنون / ۱ و ۸). مفسرین در تفسیر آیه می‌فرمایند: آیه مورد بحث مؤمنین را به حفظ امانت و خیانت نکردن به آن و حفظ عهد و نشکستن آن، توصیف می‌کند. ایشان مفهوم «امانت» را در معنای وسیع آن که شامل امانت‌های خدا و پیامبران الهی، همه اقسام امانت‌ها در بین مردم، نعمت‌های مختلف خدا، آئین حق، کتب آسمانی، دستورالعمل‌های پیشوایان راه حق، اموال و فرزندان و پست‌ها و مقام‌ها، تمامی تکالیف الهی که در بشر به ودیعه سپرده شده و هم‌چنین ولایت و حکومت بیان نموده‌اند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۱/۱۵ - مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۹۹/۱۴). قرآن کریم در آیه دیگری مسلمانان را به رعایت عهد و پیمان و تعهد نسبت به همه انسان‌ها فرامی‌خواند «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ؛ ای اهل ایمان به پیمان‌های خود وفا کنید» (مائده/۱). از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در این زمینه نقل شده: «لَا دِينَ لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهُ؛ هر که پیمان نگاه ندارد، دین ندارد (شعیری: بی تا: ۷۴). هم‌چنین از امام سجاد (علیه السلام) نقل شده: «عَنْ أَبِي مَالِكٍ قَالَ قُلْتُ لِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ع أَخْبِرْنِي بِجَمِيعِ شَرَائِعِ الدِّينِ قَالَ قَوْلُ الْحَقِّ وَالْحُكْمُ بِالْعَدْلِ وَالْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ»؛ ابو مالک می‌گوید: به (امام) علی بن الحسین «ع» گفتم: از همه قوانین دین مرا آگاه ساز؛ فرمود: حق گفتن، به عدل دآوری کردن و وفای به عهد داشتن»

(ابن بابویه، ۱۴۰۳: ۱۱۳/۱). از امام صادق علیه السلام نقل شده «مَنْ عَامَلَ النَّاسَ فَلَمْ يَظْلِمْهُمْ وَ حَدَّثَهُمْ فَلَمْ يَكْذِبْهُمْ وَ وَعَدَهُمْ فَلَمْ يُخْلِفْهُمْ فَهُوَ مِمَّنْ كَمَلَتْ مَرُوتُهُ وَ ظَهَرَ عَدَالَتُهُ وَ وَجَبَ أَجْرُهُ وَ حَرَمَتْ غَيْبَتُهُ»؛ هر کس در معاشرت با مردم به آنان ظلم نکند، دروغ نگوید، خلف وعده ننماید، جوانمردیش کامل، عدالتش آشکار، برادری با او واجب و غیبتش حرام است (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۵۷). به هر حال مسلم است که پای بندی به تعهدات و حفظ و ادای امانات از دیدگاه قرآن و منابع روایی یکی از سازوکارهای ایجاد و تقویت امنیت اقتصادی و از مهم ترین عوامل تقویت پایه های نظام اجتماعی است که بدون آن هرج و مرج در جامعه ایجاد می شود.

۲-۱۰. امنیت ملی

امنیت ملی از حساس ترین بخش ها و حوزه های امنیتی است و پاسداری از امنیت شهروندان توسط دولت از اساسی ترین حقوق مردم است. برخی صاحب نظران بیان کرده اند که علاوه بر امنیت فردی و اجتماعی شهروندان از تعدی متجاوزان داخلی و صاحبان قدرت، تأمین امنیت جامعه اسلامی از تهدید و تجاوز بیگانگان در ابعاد مختلف سیاسی و نظامی و اقتصادی و فرهنگی نیز از وظایف دولت است. دولت اسلامی، وظیفه دارد که برای تأمین استقلال همه جانبه مسلمانان، هر تدبیری را به کار بندد و از هر گونه وابستگی به بیگانگان بپرهیزد و عزت و عظمت جامعه اسلامی را هدف اصلی خود قرار دهد (ورعی، ۱۳۸۱: ۵۳۵). در اهمیت امنیت از دیدگاه قرآن همین بس که تأمین امنیت از اهداف جهاد قلمداد شده است. به همین دلیل در آیات متعددی از قرآن کریم، خداوند متعال مسلمانان را به جهاد با عوامل ناامنی فرا می خواند، از جمله این آیات می توان به آیه ۱۹۳ سوره مبارکه بقره اشاره کرد: «وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ»؛ با آنان بجنگید تا دیگر فتنه ای نباشد، و دین، مخصوص خدا شود. پس اگر دست برداشتند، تجاوز جز بر ستمکاران روا نیست (بقره ۱۹۳). در نگاه اسلام،

برقراری امنیت در جامعه یکی از مهم‌ترین فلسفه‌های تشکیل حکومت است و بخش عمده‌ی حفظ امنیت ملی برعهده دولت است و دولت موظف است که با هر تعدی و تجاوزی که باعث سلب امنیت در جامعه می‌شود مبارزه کند. اما نکته قابل ذکر این است که دولت به تنهایی نمی‌تواند از عهده این مهم برآید لذا در قرآن کریم در کنار وظایف دولت یکی از وظایف مردم نسبت به حاکم را این‌گونه اعلام می‌کند که دولت هرگاه در نیازهای خود بویژه در رفع مشکلات، مردم را به همکاری فرا خواند، باید همگی، هرکس به اندازه وسع و توانایی خود، این دعوت را لبیک گوید چرا که دولت به تنهایی و بدون کمک مردمی نمی‌تواند در رفع مشکلات موفق شود تا آن‌گاه که آحاد و گروه‌های مردمی، با تمامی توان او را یاری رسانند و هرگز بهانه جویی نکنند و از انجام خدمات محوله سر باز نزنند (معرفت، ۱۳۸۰: ۸۸-۹۱).

در این رابطه می‌توان به داستان حضرت موسی (ع) اشاره نمود: «قَالُوا يَا مُوسَى إِنَّا لَنُذْخِلُهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا فَادْهَبْ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ» گفتند: ای موسی، تا وقتی آنان در آن شهرند ما هرگز پای در آن ننهیم. تو و پروردگارت بروید و جنگ کنید که ما همین جا می‌نشینیم (مائده/۲۴). مفسرین در تفسیر آیه فرموده‌اند: بنی‌اسرائیل در برابر فرمان حضرت موسی (ع) عذر تراشی کردند و از فرمان حضرت موسی سرباز زده و گفتند: ما تا آن‌ها در این سرزمین‌اند هرگز و ابداً وارد آن نخواهیم شد تو و پروردگارت که به تو وعده پیروزی داده است بروید و با عمالقه بجنگید هنگامی که پیروز شدید ما را خبر کنید ما در اینجا نشستیم (رضا، ۱۴۱۴: ۳۳۴/۶ - مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۳۴۲/۴-۳۴۱). از بررسی آیه استفاده می‌شود که برقراری امنیت از یک بعد در سایه مشارکت مردم در امور اجتماعی و سیاسی و اطاعت از حاکم محقق می‌شود چرا که حاکمی که فرمان‌برداری نشود نمی‌تواند تدبیر لازم را داشته باشد.

۳. نتایج

تمام حقوق شهروندی در قرآن و روایات، مطلق و بدون قید و شرط بوده و صرفاً بر پایه انسانیت بنا نهاده شده است. طبق آیه «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء/۷۰). خداوند «بنی آدم» را تکریم کرده است و کرامت همه انسان‌ها را صراحتاً اعلام نموده است و هدف اصلی از این تحقیق، تبیین حق امنیت شهروندی به‌عنوان یکی از حقوق اساسی شهروندان و سازوکارهایی که برای تحقق این حق در قرآن و روایات در نظر گرفته شده است. این نتیجه به دست آمد که بسیاری از آموزه‌ها و تعالیم اسلامی به‌صورت مستقیم و یا غیرمستقیم با مسئله «امنیت» در ارتباط است، بدین‌گونه که حق امنیت شهروندی در متون دینی در غالب بسیاری از تحریم‌هایی که مرتبط با حقوق مردم است، مقرر گردیده و همچنین به‌صورت پاره‌ای از توصیه‌های اخلاقی مانند حرمت غیبت، تهمت، افتراء، تمسخر و... بیان شده است که در واقع موضوعات مطرح شده در منابع دینی نوعی پیشگیری و بازدارندگی از عوامل تهدیدکننده امنیت در جامعه است؛ بنابراین گسترش و تحقق امنیت از یک بعد وابسته به رعایت اصول و قواعد اخلاقی است و از طرف دیگر رعایت قوانین و مقررات در جامعه است و از آنجایی که در اندیشه اسلامی ایمان و امنیت معنوی، پایه و مبنای کلیه امنیت‌هاست و هرگونه ناامنی در عرصه‌ای، ریشه در بی‌ایمانی و صفات متقابل ایمان مانند شرک، کفر و ظلم دارد. در نتیجه تنها راه محقق شدن امنیت در سایه تقوا، عدالت و رعایت حقوق دیگران و دفاع از مظلومان و محرومان و مقابله با مجرمان و مفسدان و متجاوزان به جان و مال مردم است به همین منظور، علاوه بر نقش مهم دولت در برقراری امنیت هر یک از افراد جامعه نیز با ایفای وظایف خود به بهترین نحو ممکن می‌توانند نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در تحقق امنیت سیاسی و اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی داشته باشند و به‌طور کلی این نتیجه

حاصل شد که بین کلیه ابعاد امنیت پیوندی عمیق وجود دارد و سامان یافتن زندگی اجتماعی، بدون امنیت شهروندان غیرممکن است.

منابع

- آشوری، داریوش (۱۳۷۳). *دانشنامه سیاسی*؛ تهران: انتشارات مروارید. چاپ سوم.
- آقابخشی، علی؛ افشاری راد، مینو (۱۳۸۳). *فرهنگ علوم سیاسی*؛ تهران: انتشارات چاپار. چاپ اول.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۳ ه.ق). *من لایحضره الفقیه*؛ (مصحح، غفاری، علی اکبر). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه. چاپ دوم.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ ه.ق). *تحف العقول*؛ (مصحح، غفاری، علی اکبر). قم: مؤسسه النشر الاسلامی. چاپ دوم.
- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۶ الف). *امنیت در نظام سیاسی اسلام*؛ تهران: کانون اندیشه جوان. چاپ دوم.
- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۶ ب). *امنیت و ابعاد آن در قرآن کریم*؛ مجله مطالعات اسلامی، ش ۷۵، صص ۱۱-۳۸.
- انتظاری، علیرضا؛ ستوده، حمید (۱۳۹۶). *امنیت کرامت آمیز انسان مبنایی شاخص در حقوق شهروندی*؛ مجله پژوهش‌های اخلاقی، سال هفتم، ش ۳، صص ۱-۱۸.
- ایزدی، مهدی؛ رخسار، عاشوری رود پستی (۱۳۹۲). *نقش تقوا در تعاملات اجتماعی*؛ فصلنامه بصیرت و تربیت اسلامی، سال دهم، ش ۵، صص ۸۱-۱۰۷.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۸). *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*؛ تهران: انتشارات گنج دانش. چاپ اول.
- جوان آراسته، حسین (۱۳۹۱). *حقوق اجتماعی و سیاسی در اسلام*؛ دفتر نشر معارف. چاپ هشتم.
- حقیقت، سید صادق؛ میر موسوی، سید علی (۱۳۸۱). *مبانی حقوق بشر از دیدگاه اسلام و دیگر مکاتب*؛ تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. چاپ اول.

- حییم، سلیمان (۱۳۷۹). **فرهنگ کوچک انگلیسی فارسی**؛ تهران: انتشارات فرهنگ معاصر. چاپ بیست و هفتم.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۲۵). **لغت نامه دهخدا**؛ تهران: انتشارات مجلس.
- (۱۳۴۱). لغت نامه دهخدا؛ تهران: انتشارات شرکت چاپ افست گلشن.
- (۱۳۴۶). **لغت نامه دهخدا**؛ تهران: انتشارات شرکت چاپ ۱۲۸.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۶۹). **ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن**؛ (ترجمه، خسروی حسینی، غلامرضا) جلد یک. تهران: انتشارات مرتضوی. چاپ اول.
- رضا، محمد رشید (۱۴۱۴). **تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار**؛ لبنان - بیروت: دار المعرفة. چاپ اول.
- سمرقندی، نصر بن محمد (۱۴۱۶ ه.ق). **تفسیر السمرقندی المسمی بحرالعلوم**؛ جلد ۲، لبنان - بیروت: انتشارات، دارالفکر. چاپ اول.
- شعبانی، قاسم (۱۳۸۱). **حقوق اساسی و ساختار حکومت جمهوری اسلامی ایران**؛ تهران: انتشارات اطلاعات. چاپ یازدهم.
- شعیری، محمد بن محمد (بی تا). **جامع الأخبار (للشعیری)**؛ نجف: انتشارات حیدریه. چاپ اول.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴). **ترجمه تفسیر المیزان**؛ قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی. چاپ پنجم.
- طبرسی، فضل بن حسن (بی تا). **تفسیر مجمع البیان**؛ جلد ۹ و ۱۱، ایران - تهران: انتشارات فراهانی.
- (۱۳۹۰). **تفسیر مجمع البیان**؛ ترجمه بیستونی، محمد، مشهد: آستان قدس رضوی، شرکت به نشر.
- عمید، حسن (۱۳۶۳). **فرهنگ فارسی**؛ تهران: امیرکبیر. چ اول.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۹). **دانشنامه فقه سیاسی (مشمول بر واژگان فقهی و حقوق عمومی)**؛ تهران: انتشارات دانشگاه تهران. چاپ اول.
- (۱۳۸۵). **فقه سیاسی مبانی حقوق عمومی در اسلام**؛ جلد هفتم. تهران: انتشارات امیرکبیر. چاپ اول.
- فردرو، محسن (۱۳۸۱). **مطالعه وضع فرهنگ عمومی**؛ تهران: انتشارات روزین. چاپ اول.

فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۴۱۵ ه.ق). **تفسیر الصافی**؛ ایران - تهران: مکتبه الصدر. چاپ دوم.

قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل (۱۳۸۲). **بایسته‌های حقوق اساسی**؛ تهران: انتشارات میزان. چاپ دهم.

کریمی، امیر اعظم (۱۳۸۴). **تأملی در شناخت امنیت اجتماعی**؛ فصلنامه دانش انتظامی، ش ۳۷ (سال هفتم، ش چهارم)، صص ۱۳۹-۱۶۲.

مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ ه.ق). **بحار الانوار**؛ (محقق، عبدالکریم ربانی شیرازی). بیروت: مؤسسه الوفاء. چاپ اول.

مرادخانی، احمد؛ خزائی، احمدرضا (۱۳۹۴). **زمینه‌های حقوق شهروندی در قرآن؛ مجله علمی پژوهشی پژوهش نامه**،

قرآن و حدیث، ش ۱۷.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۷). **حقوق و سیاست در قرآن**؛ (نگارش محمد شهبابی)، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

چاپ اول.

معرفت، محمدهادی (۱۳۸۰). **امام علی (ع) و حقوق متقابل مردم و حکومت؛ کتاب نقد**، شماره ۱۸، صص ۸۲ - ۱۱۷.

معین، محمد (۱۳۷۶). **فرهنگ فارسی معین**؛ جلد ۱ و ۲، تهران: انتشارات امیرکبیر. چاپ یازدهم.

مغنیه، محمدجواد (۱۳۷۸). **ترجمه تفسیر کاشف**؛ جلد ۲، ۳، قم: بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم).

مفتح، محمدهادی (۱۳۹۰). **گستره دخالت حکومت و حق حاکمیت از منظر قرآن و نهج البلاغه؛ فصلنامه مطالعات تفسیری**، سال دوم، ش ۵، صص ۱۹۹-۲۲۸.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). **تفسیر نمونه**؛ تهران: انتشارات دارالکتب الإسلامیه. چاپ دهم.

ورعی، سید جواد (۱۳۸۱). **حقوق و وظایف شهروندان و دولت‌مردان**؛ قم: دبیرخانه مجلس خبرگان. چاپ اول.

